

چاپ پنجم

# اسطوره و رمز

در اندیشه‌ی میرچا الیاده



جهان اسطوره‌شناسی VI

ترجمه‌ی جلال ستاری

# اسطوره و رمز

## در اندیشه‌ی میرچا الیاده

جهان اسطوره‌شناسی VI  
ترجمه‌ی جلال ستاری



نشر مرکز

## فهرست

|     |   |
|-----|---|
| ۷   | مقدمه   |
| ۲۳  | گزینه‌ای از یادداشت‌های روزانه و خاطرات میرچا الیاده      |
| ۸۹  | شرح آثار میرچا الیاده                                     |
| ۹۰  | شارل ه. لونگ      معنای آثار میرچا الیاده برای انسان مدرن |
| ۱۰۵ | ژولین ری‌یس      تاریخ ادیان، پدیدارشناسی، هرمنوتیک       |
| ۱۲۲ | ژیلبر دوران      الیاده یا نگاهی ژرف به انسان‌شناسی       |
| ۱۳۴ | ژاک مازویی      اسطوره‌ها و رمزها                         |
| ۱۵۷ | نوشته‌هایی از میرچا الیاده                                |
| ۱۵۸ | میرچا الیاده      یونگ یا پاسخ به ایوب                    |
| ۱۷۲ | یادداشت‌های کارل گوستاو یونگ                              |
| ۱۷۴ | میرچا الیاده      معماری قدسی و رمزپردازی                 |
| ۲۱۲ | میرچا الیاده      اسطوره‌کیمیاگری                         |
| ۲۴۰ | فولکلور به مثابه وسیله شناخت                              |
| ۲۶۵ | در رثای میرچا الیاده                                      |
| ۲۶۶ | اوژن یونسکو      پیشاهنگ نوآوران                          |

کتاب *L'Eau et les rêves* گاستون باشلار را دوباره می‌خوانم.<sup>۱</sup> باشلار به نیکوترین وجه از «تحلیل ماده» سخن می‌گوید. در نظر دارم (شاید در تحقیقی به نام: «آب و خواب و خیالها و نمادها») معلوم بدارم که تخیل، از وسایل و ابزارهای شناخت است، زیرا حالات واقعیت را به گونه‌ای قابل فهم و منسجم، بر ما مکشوف می‌سازد. باشلار معتقد است که رمز، تاریخی/روانشناختی دارد. شاید حق با او باشد، اما آنچه برای من جالب توجه است این است که رمز به محض آنکه بنیاد شد، صاحب دو کنش می‌شود که یکی «وجودی» (existentielle) است و دیگری «ادراکی» یا «معرفت‌بخش» (cognitive). هر رمز بخشهای مختلف وجود را گرد می‌آورد و به هم می‌پیوندد (مثلاً رمزپردازی آب، نمایشگر همبستگی ساختاری میان آب‌ها و ماه و سیرورت و رستنی و زنانگی و نطفه‌ها و ولادت و مرگ و ولادت ثانوی و غیره است) و از سوی دیگر، رمز همواره، باز و گشوده است، یعنی می‌تواند معناهای «متعال و بالاجویی» را مکشوف سازد که مفاد بیواسطه برای تجربه

آنی و مستقیم و از مقوله «معطیات» نیستند (یعنی بدیهی و واضح و لایح نیستند). مثلاً آئین‌های غسل، مرتبه‌ای از واقعیت را که غیر از واقعیت زیستی - کیهانی است (تولد - مرگ - تولد ثانی)، آشکار می‌سازند، یعنی بر ولادت روحانی، ولادت مجدد در عرصه هستی‌ای متعال و برتر («نجات‌یابی» و رستگاری و غیره) دلالت دارند. پس رمز آب، فقط نشانه «ثبات در خلق و مزاجی اساساً خواب‌بین یا خیالباف» (باشلار) نیست، زیرا نمودار وحدت اساسی کیهان است. هر رمز، به محض آنکه بنیاد شد، چند ارزش بودنش، ما را در میان حالات مختلف وجود، به کشف همتایی‌هایی که از مجرد «تحلیل ماده» فوت می‌شود، یاری می‌دهد.<sup>۲</sup>

امیل سیوران (Émile Cioran)، علاقه‌مندی‌ام به «جنبه عینی» ادیان را در نمی‌یابد چون فقط به حالات شخصی و وجودی قدیسین و عارفان مختلف و یا بودی ساتوا (Bodddhi sattva)، توجه دارد.

واضح است که وجه نظری مدرن‌تر از این نیست. مثلاً توفیق اگزریستانسیالیسم را در نظر بگیریم. به‌رغم این توفیق، از خود می‌پرسم که آیا نمی‌توان در این وسوایس «قیام ظهوری» (existentialiste) و «شخص گرا» (personnaliste) چیز دیگری کشف کرد که همانا بازیابی ساحتی از خود است یعنی ساحت و بعد کیهان شناختی، که انسان عصر رنسانس آن را از دست داده است؟ انسان تا دوران رنسانس (و پس از آن فقط انسان در قشر توده‌های مردم)، حس می‌کرد که به کیهان پیوسته است، کیهانی که خود را مسئولش می‌شناخت و همه خطراتش را به گردن می‌گرفت... در آن زمان، حالات مختلف وجود، در مرتبه کیهانی، تجربه و زیسته می‌شد. به نظر انسان مدرن، چنین تجاربی، ممکن است دالّ بر «خودگم‌کردگی» و